

بے ساختہ

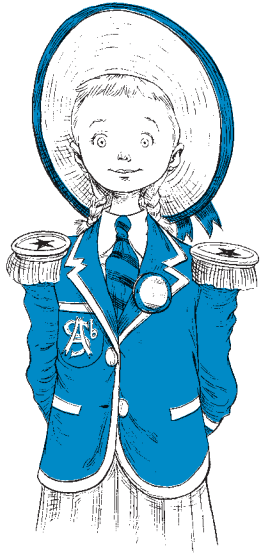
P
اُتولین

و
مرومہ کی آئین اسہیت

ہوی
Hoopa

۲ اتولین

۹
مدرسه‌ی آلیین اسمیت



نویسنده و تصویرگر: کریس ریچل

مترجم: ریحانه جعفری

OTTOLINE GOES TO SCHOOL
"First published 2008 by Macmillan Children's
Books, an imprint of Pan Macmillan"
Copyright © Chris Riddell 2008
Persian Translation © Houpa Publication, 2019

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون
بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار
ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد
از نویسنده‌ی آن Chris Riddell و ناشر آن، Macmillan،
خریداری کرده است.



رعایت «کی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، کریس ریدل و ناشر
خارجی آن، مک‌میلان، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی
در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش،
سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده
است.

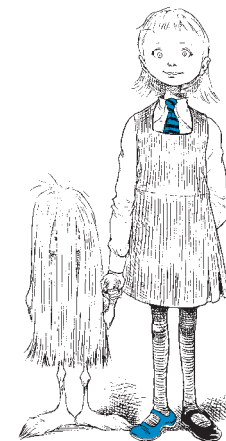
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در
ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت

کریس ریدل این کار را کرده است.



آتولین و مدرسه‌ی آلیس اسمیت

نویسنده و تصویرگر: کریس ریدل
مترجم: ریحانه جعفری
ویراستار: نیما سرلک
مدیر هنری: فرشاد رستمی
تایپوگرافی: مهدخت رضاخانی
طراح گرافیک: فائزه فغفوری
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه
چاپ اول: ۱۳۹۸
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان
شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۶-۵
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۸-۹



هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱،
واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵، تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰
www.hoopa.ir info@hoopa.ir
■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
■ هر گونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی
از آن مجاز است.

سرشناسه: ریدل، کریس، ۱۹۶۲ - م.
Riddell, Chris

عنوان و نام پدیدآور: آتولین و مدرسه‌ی آلیس اسمیت/نویسنده و
تصویرگر کریس ریدل؛ مترجم ریحانه جعفری.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص: مصور.
فروست: آتولین: ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۶-۵ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۸-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Ottoline goes to school.

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۱م.

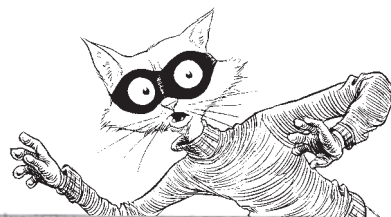
موضوع: Children's stories, English -- 21st century

شناسه افزوده: جعفری، ریحانه، ۱۳۴۱ - مترجم

رده بندی کنگره: PZ7

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۵۷۷۰۴

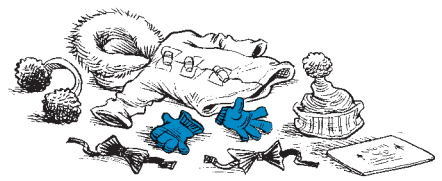


برای خواهرم، لین

ک.ر.

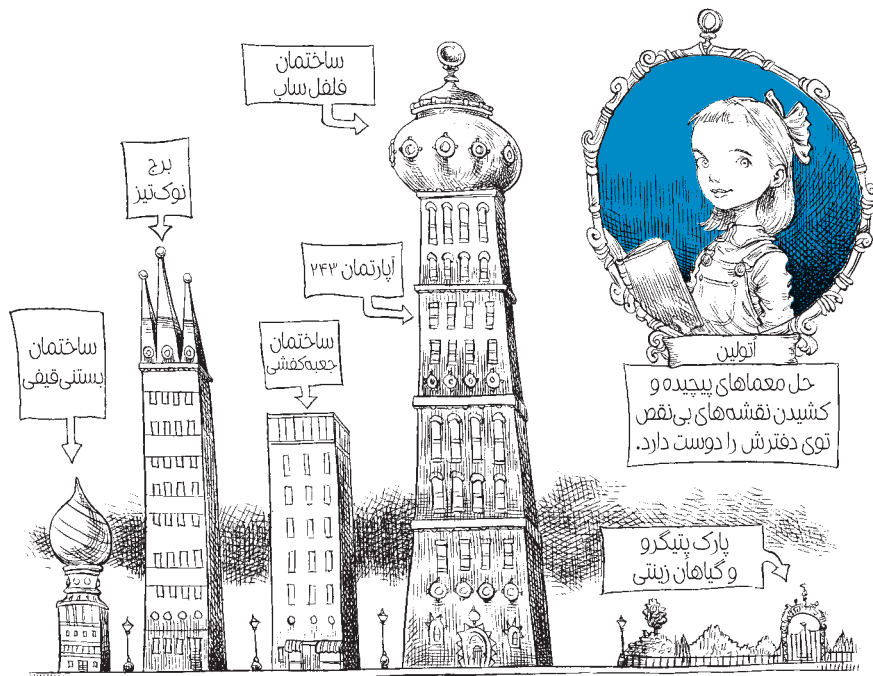
برای مهربانی‌های خواهرم، شعله

ر.ج.



فصل اول

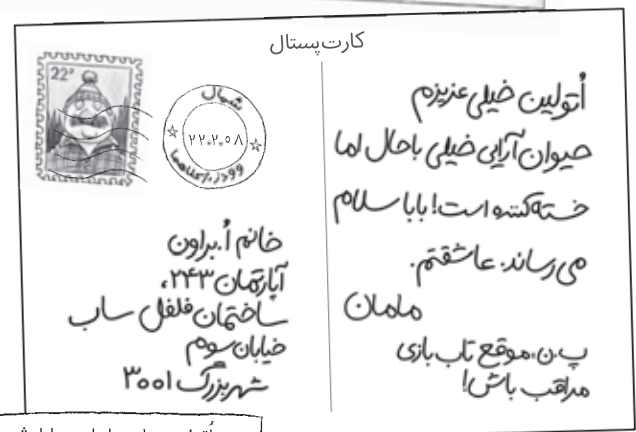
آتولین در برج پ.و. هافلدینک توی آپارتمان ۲۴۳ زندگی می‌کرد. اما ساختمان چون عین فلفل ساب بود همه بهش می‌گفتند ساختمان «فلفل ساب».



بابا و مامانش کلکسیونر یا مجموعه‌دارهایی بودند که دور دنیا سفر می‌کردند. آن‌ها به ندرت توی خانه بودند، البته از اتولین خوب مراقبت می‌شد و هیچ وقت تنها نبود. تازه، بهترین دوستش یعنی آقای مانرو کنارش بود.



مامان و بابای اتولین ازش دور بودند، اما همیشه با فرستادن کارت پستال باهاش در ارتباط بودند.

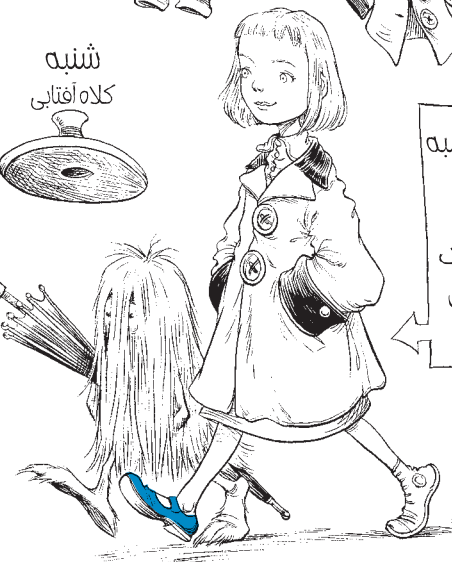


اتولین برای مامان و بابایش نامه می‌نویسد و به انجمن کلکسیونرها می‌فرستد. آن‌ها بهش اطمینان می‌دهند هر اتفاقی که توی دنیا بیفتد، نامه را به دست صاحبش برسانند.

- دوشنبه عینک آفتابی
- سه‌شنبه کت
- چهارشنبه شلوارپوشیدی
- پنجشنبه گوش گرمکن
- جمعه بلوز آستین بلند

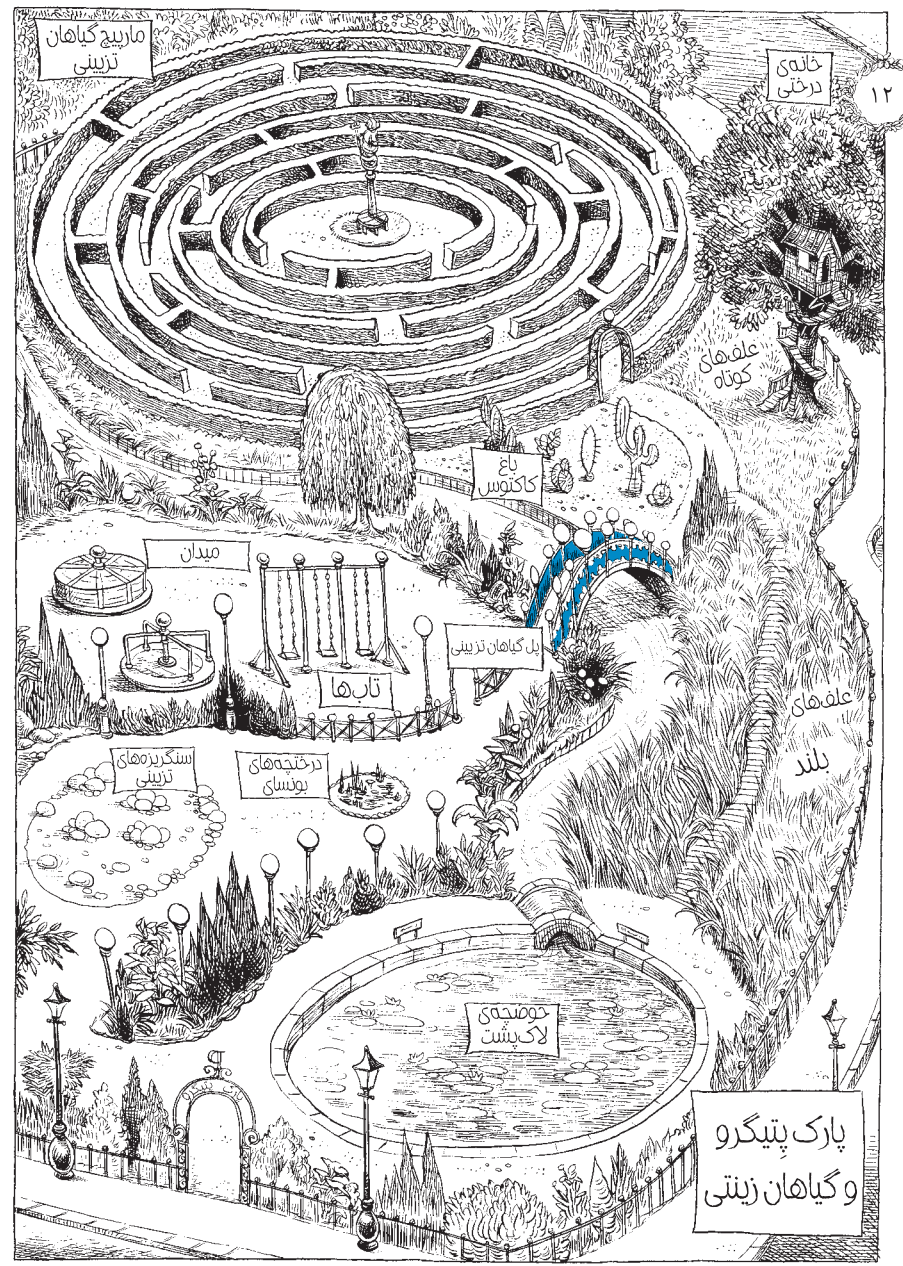
- یکشنبه عینک مسخره
- شنبه کلاه آفتابی

فقط در فضاهای داخلی



آتولین کت سه‌شنبه را پوشیده بود. او برای گردش هر روز هفته یک لباس مخصوص می‌پوشید.

یک روز صبح آتولین و آقای مانرو برای گردش رفتند به پارک پتیگرو و گیاهان زینتی. سه‌شنبه بود و صبح‌های سه‌شنبه آن‌ها دوست داشتند لاک پشت‌های حوضچه را تماشا کنند...



پارک پتیگرو و گیاهان زینتی

... جایی که سیسیلی فوربس لارنس و مامبلز، اسب پاکوتاه پاتاگونایی اش، را دیدند.

گل ختمی شرق کریدون

تاج خروس
نورفک

بونه‌ی نوت‌فرنگی
وحشی شرق آفریقا

درختچه‌ی
لرزغلی

بونه‌های آفریقای
جنوبی

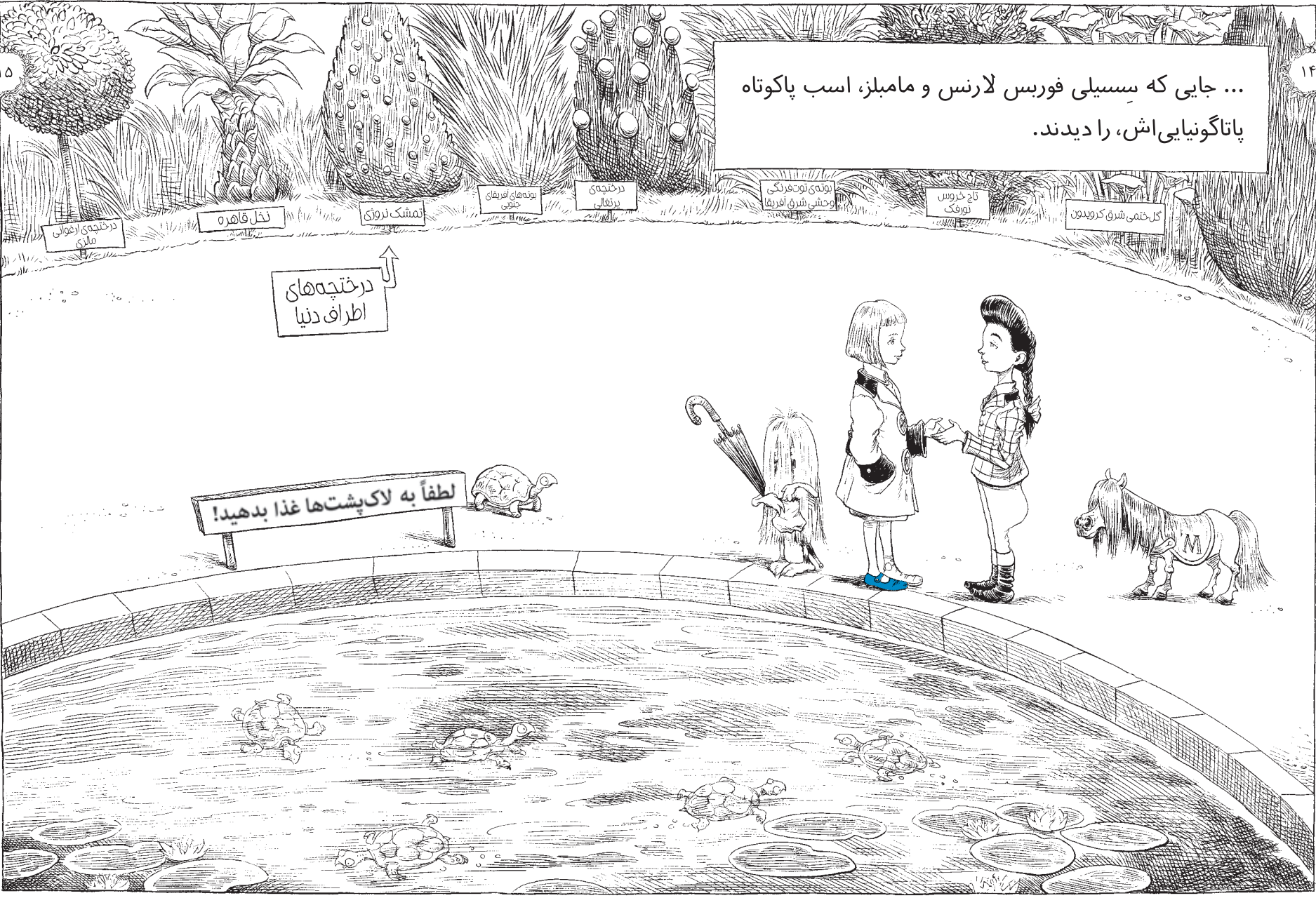
تمشک‌دروژی

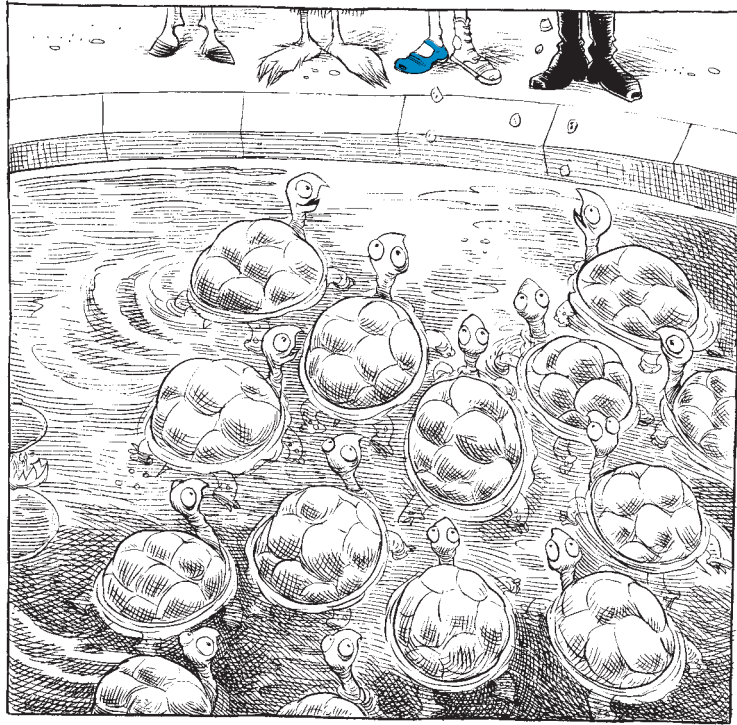
نخل قاهره

درختچه‌ی آستوانی
ماری

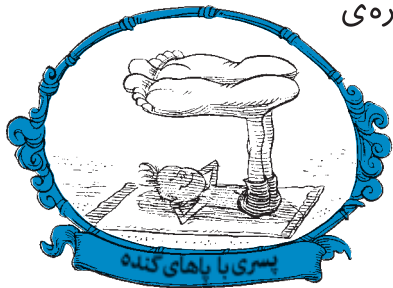
درختچه‌های
اطراف دنیا

لطفاً به لاک‌پشت‌ها غذا بدهید!

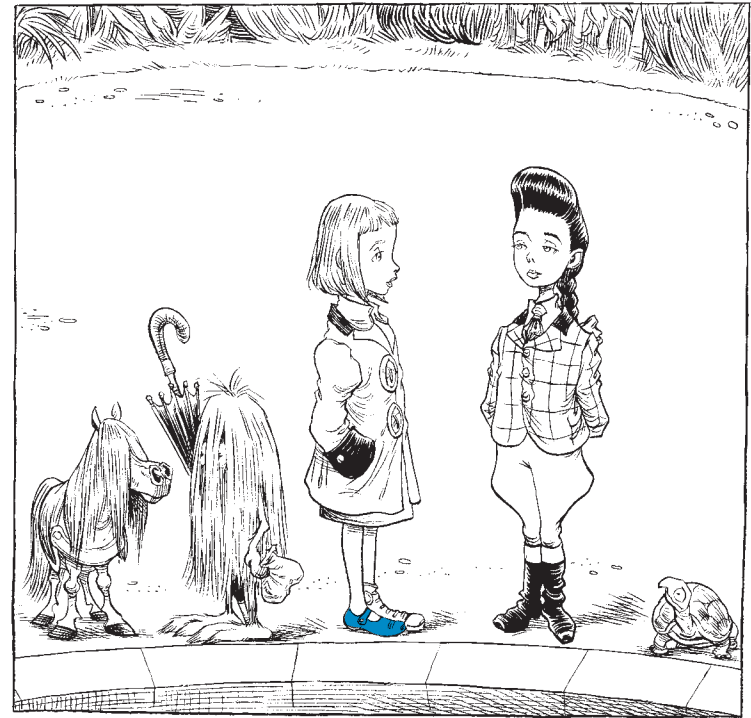




آتولین و سسیلی غذای مخصوص لاک پشت را که آقای مانرو آورده بود، به لاک پشت‌ها دادند. سسیلی داستان باحالی برای آتولین تعریف کرد. داستان درباره‌ی پسری بود با پاهای گنده. آنقدر گنده که از شان برای سایه بان استفاده می‌کرد.



آتولین گفت: «اسب پاکوتاهت رو دوست دارم.»
 سسیلی گفت: «ممنونم. می‌دونم که مامبلز اهل پاتاگونیاست.
 من هم سگ تو رو دوست دارم.»
 آتولین خندید و گفت: «اون سگ نیست. آقای مانروئه.»



سسیلی ادامه داد: «... و روپرت قهرمان جوان لی لی شد که داستان دیگه‌ایه. الان باید برم. باید یال بلند مامبلز رو شونه کنم.»

آتولین هیجان زده پرسید: «می‌تونم کمکت کنم؟» او عاشق شانه کردن بود. آقای مانرو اصلاً دوست نداشت. سسیلی گفت: «شاید یک وقت دیگه.» راه افتاد طرف ماریپچ گیاهان زینتی و گفت: «به هر حال کت سگ تو هم باید شونه بشه.» سسیلی که رفت، اتولین گفت: «انگار آدم خوبی.» آقای مانرو هیچی نگفت.



۱. Brisbane: پایتخت ایالت کوئینزلند در استرالیا.

جلدهای بعدی در راهاند...



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جای‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....



اینستاگرام هوپا

hoopa_publication



کانال تلگرام هوپا



سایت هوپا

www.hoopa.ir



باشگاه هوپایی‌ها

http://t.me/hoopaclub

